

دیکنه درس فف کلاس اول :

فف

فرفره - فراموش - شرف - برف - کیف - فردا - دفتر - فرزانه - کفش - آدم -
برفی - فرشته - کف - سفره - فوت - فرشاد - مفید - فایده - فراموش - گوسفند - افسانه - فیروزه - سفارش - فراوان -

توت فرنگی - رفتار - فریاد

آزاده کفش زمستانی می پوشد

او آدم برقی درست میکند

برف می بارد

فرشاد توت فرنگی دوست دارد

اکرم فرش می بافد

مادر سفره را می آورد

آن گوسفند سفید است

امروز آسمان ابری است و آفتابی نیست.

آدم برقی گفت : من کیف ، دفتر و کفش ندارم.

در روز برقی فرزانه و فرشته آدم برقی درست می کند.

فریده و فریبا در دفتر ، دیکنه تمرین می کنند.

آن روز آدم برقی به فرزند گفته بود ، کاش من نیز کیف و

کفش داشتم وبه مدرسه می رفتم.

من دفتر و کیف دارم.

در کیف سارا تراش ، مداد و کتاب بود.

مرکز استان فارس شیراز است.

فرزاد آبگوشت و سوپ را با کباب دوست دارد.

فرید و فرشید آدم برقی درست می کردند.

دیروز فرشید به فرزند آفرین گفت.

فرزانه با پروانه در مدرسه توپ بازی می کنند.

آن روز در بناب برف تندی می بارید.

من با فرید آدم برقی درست کردیم.

آیا می دانید، امروز آسمان آفتابی نیست!

فیروز کیف، کفش و فرفره دارد.

آزاده و امین کفش زمستانی دارند.

آیا شما می دانیدکه، شیراز مرکز استان فارس است؟

فرزانه، فرشته و فریده با فریبا در فریمان زندگی می کنند.

